

گزارش

«شرق» از تلاش جمهوری آذربایجان برای مصادره املاک دولتی ایران در باکو گزارش می‌دهد

پالس مخرب

مهدی بازرگان: در شرایطی که تهران پس از حمله هفتم بهممن ۱۴۰۱ به سفارت جمهوری آذربایجان سعی در افتتاح مجدد این سفارت و عادی‌شدن روابط با باکو دارد، به نظر می‌رسد جمهوری آذربایجان همچنان درصدد سوءاستفاده از سیاست مماشات ایران است. در جدیدترین مورد از سیاست‌های ضدایرانی علی‌اف، فرهیختگان خبر از تلاش جمهوری آذربایجان برای مصادره املاک دولتی ایران در باکو داد و نوشت: «بیش از دو سال پیش، دولت جمهوری آذربایجان اقدامات قابل‌تاملی را علیه ایران آغاز کرده که به دلیل برخی ملاحظات نادرست، با سکوت خبری در ایران همراه شده‌اند.

این اقدامات شامل تعرض، پلمب و مصادره تعدادی از املاک دولتی ایران در باکو می‌شوند. ظاهرا باکو به‌منظور مصادره اراضی ایران دادگاه‌هایی نمایشی به بهانه‌های واهی برگزار کرده است و قصد دارد با مصادره املاک ایران، آنها را به کمیته دولتی املاک زیر نظر وزارت اقتصاد این کشور منتقل کند.»

این روزنامه فاش کرد که املاک دولت ایران یا به‌طور کامل پلمب شده یا محدودیت‌هایی برای آنها ایجاد شده است که ازجمله این املاک که شامل هشت ملک و بالغ بر چند هزار مترمربع می‌شوند، می‌توان به ساختمان نمایندگی مقام معظم رهبری، ساختمان نمایندگی صداوسیم، ساختمان‌های جامعه‌المصطفی، ملک سابق بانک ملی، ملک دارای قرارداد طولانی‌مدت کمیته امداد، ساختمان مدرسه و ملک متعلق به رایزنی فرهنگی ایران اشاره کرد. البته منبع آگاهی که در جریان این دادگاه‌های جمهوری آذربایجان بود، در فکت‌وگو با «شرق» ضمن تأیید این خبر، بخشی از ادعاهای فریختگان را نادرست دانست و به «شرق» اطلاع داد روند دادگاه‌های آذربایجان برای مصادره اموال ایران، تنها محدود به دو سال اخیر نیست و حتی از دورانی پیش از سفارت سیدعباس موسوی (سفیر سابق جمهوری اسلامی ایران در جمهوری آذربایجان) شروع شده است. این منبع آگاه، به «شرق» از کم‌کاری سفرای قبلی ایران در این زمینه خبری می‌دهد که به گفته او، باعث شده است طی دو دهه گذشته به شکل تدریجی سیاست ضدایرانی باکو علیه تهران کلید بخورد.

سعید صفاری هم دیگر کارشناسی بود که بر ادعای منبع آگاه «شرق» صحه گذاشت و در فکت‌وگویی تأکید کرد «روند مصادره اموال ایران در آذربایجان از سال‌ها پیش شروع شده است» و در ادامه کپ‌وگفت خود با «شرق» خبر داد که اکنون برخی از نهادهای جمهوری اسلامی ایران مانند نمایندگی مقام معظم رهبری در جمهوری آذربایجان تعطیل است و کم‌مسئولیت آن با حجت‌الاسلام‌المسلمین سیدعلی اکبر احاق‌نژاد بود و باکو ویزای وی را تمدید نکرد. کمااینکه وی به نماینده صداوسیمای ایران در جمهوری آذربایجان نیز اشاره دارد که برای او نیز ویزا صادر نکرد و قبل‌تر هم فشارهای متعددی از سوی جمهوری آذربایجان برای تعطیلی کمیته امداد ایران در این کشور وجود داشت. البته به گفته این تحلیلگر ارشد مسائل قفقاز، نهادهای دیگر وابسته به جمهوری اسلامی ایران نظیر هلال‌احمر، ساختمان رایزنی، بانک ملی و… وجود دارند که اکنون تحت فشار هستند، ولی اخبار و اطلاعات دقیقی از آنها در دسترس نیست. البته صفاری خبر تصمیم باکو برای مصادره هشت ملک ایران را که جزء خاک این کشور است، شوکه‌کننده می‌داند؛ چراکه به گفته او ضربه‌ای جدی به وجهه ایران خواهد خورد. تحلیلگر ارشد مسائل قفقاز یادآور می‌شود: چون از این مسئله دو سال می‌گذرد، باید روشنگری لازم توسط نهادهای ذی‌ربط صورت بگیرد، چراکه این اتفاق به شکل مستقیم با امنیت و منافع ملی در ارتباط است و موضوعی فراتر از رقابت سیاسی، جناحی، حزبی و گروهی است.

در بخش دیگری از گزارش روزنامه وابسته به دانشگاه آزاد (فرهیختگان) گفته شده که مقامات جمهوری آذربایجان پس از حادثه مشکوک حمله به سفارت جمهوری آذربایجان در تهران در بهمن ۱۴۰۱ که توسط سرویس امنیتی باکو و در آستانه کنشایش سفارت جمهوری آذربایجان در تل‌آویو انجام شد، با کمک لابی‌های داخلی خود، از فضای موجود برای امتیازگیری کلان از تهران استفاده کرده که خرید ملک مذکور برای سفارت از آن جمله است.

علی‌رغم لغو روایدی از سوی ایران از سال ۱۳۹۰، باکو ویزا را برای ایرانی‌ها لغو نکرده و حتی مرز زمینی دو کشور را نیز به بهانه کرونا روی شهروندان خود مسدود کرده است. البته در همین زمان باکو برای ۳۰ کشور، ازجمله آلبانی که میزبان مقر سازمان مجاهدین خلق است، روایدی را لغو کرده است.

احمد کاظمی نیز دیگر کارشناسی بود که در فکت‌وگوی خود با «شرق» روی همین موضوع تمرکز می‌کند و با قرائتی آسیب‌شناسانه از فضای سیاسی داخلی، به نقش مخرب لابی‌های جمهوری آذربایجان در کشور اشاره دارد که به دنبال تظهير سیاست‌های مخرب باکو هستند. وی در تشریح این‌موضوع اضافه می‌کند که چگونه دو سال پیش لابی‌های باکو تلاش کردند تأکیدات چندباره مقام معظم رهبری در رابطه با فتنه ژئوپلیتیکی قفقاز را به منسکک عبور و مرور چند کامیون تقلیل دهند. تحلیلگر ارشد مسائل اوراسیا با تأکید بر اینکه با نگاه منافع ملی باید تکلیف لابی‌های آذری و ارمنی در کشور مشخص شود، متذکر می‌شود که همین فعالیت لابی‌ها در کشور، شرایطی را به وجود آورده که جمهوری آذربایجان به یکی از مهم‌ترین نقاطی تبدیل شده که در ۱۵ سال اخیر بیشترین توطئه‌ها و ضربات امنیتی از مبدأ آنجا به جمهوری اسلامی ایران وارد شده است و اکنون کانون مراکز سایبری ضدایرانی رژیم صهیونیستی در منطقه‌ای در باکو قرار دارد.

در بخش مهمی از گفته‌های احمد کاظمی، وی حمله مسلحانه هفتم بهمن‌ماه ۱۴۰۱ به سفارت جمهوری آذربایجان در تهران را هم از این جنبه مشکوک می‌داند که به نظر می‌رسد حمله مذکور با هماهنگی سرویس‌های امنیتی جمهوری آذربایجان و رژیم اسرائیل عملیاتی شده است؛ چراکه به باور او، حمله درست در آستانه زمانی صورت می‌گیرد که باکو تلاش‌هایی برای افتتاح سفارتش در تل‌آویو دارد که به ناگاه این حمله مسلحانه به سفارت جمهوری آذربایجان در تهران انجام می‌شود. با این تفاسیر، کاظمی تأکید و تصریح دارد که هیچ عقل سلیمی نمی‌تواند ارتباط این دو موضوع را نادیده بگیرد و این ارتباط را اتفاقی بداند. با توجه به نکته یادشده، مفسر ارشد مسائل اوراسیا یادآور می‌شود که ایران نباید دیپلماسی التماسی را در برابر جمهوری آذربایجان داشته باشد؛ چراکه دیپلماسی التماسی به گفته کاظمی درست برخلاف منویات و تأکیدات چندین‌باره مقام معظم رهبری درباره دیپلماسی مبتنی بر عزت، صلحت و حکمت است. کارشناس ارشد حوزه قفقاز همچنین ضمن اشاره به سابقه طولانی فشارهای غیردوستانه و سیاسی دولت باکو به نهادهای ایرانی، این هشدار را هم می‌دهد که اگر خبر شوک‌آور روزنامه فریختگان درباره اقدامات باکو علیه املاک ایرانی صحیح باشد، انفعال در مقابل آن برخلاف دیپلماسی عزتمندانه منظر مقام معظم رهبری است.

مالک صدق: جمعه گذشته بود که خواجه محمد آصف، وزیر دفاع پاکستان، در فکت‌وگویی با شبکه نیوز و به‌رغم هشدار آمریکا درباره روابط تجاری و اقتصادی با ایران، گریزی به مناسبات تجاری تهران-اسلام‌آباد زد و تأکید کرد که هیچ مانعی نباید پروژه خط لوله انتقال گاز میان دو کشور را متوقف کند. این اظهارنظر جدید در پی امضای تفاهم‌نامه‌های همکاری میان دو طرف (ایران و پاکستان) پس از سفر رئیسی به پاکستان مطرح شد. با این وجود، گروهی از کارشناسان بر این باورند که مناسبات ایران و پاکستان و مشخصاً در قبال خط لوله گازی بین دو کشور، متفاوت از آن چیزی است که مقامات اسلام‌آباد بر

از آرزوی تهران تا آرزوی اسلام‌آباد

کاز و واقعاً سفر هفته گذشته ابراهیم رئیسی به پاکستان، مقامات اسلام‌آباد مجدداً به موضوع خط لوله گاز ایران اشاره کرده‌اند و آن‌گونه که از زبان وزیر دفاع پاکستان مطرح شده است، نباید هیچ مانعی باعث توقف خط لوله‌گازی ایران شود. درحالی‌که سال‌هاست این خط لوله به دلیل بی‌عملی پاکستانی‌ها پشت مرزهای این کشور مانده است که نشان می‌دهد واقعیت‌های میدانی چیزی متفاوت و حتی متضاد از گفته‌های خواجه محمد آصف است. ارزیابی‌شما چیست؛ آیا واقعاً اکنون اسلام‌آباد با توجه به نیاز مبرم و روزافزون خود به مسئله انرژی و گاز، فشارها و تحریم‌های آمریکا را نادیده می‌گیرد و برای نخستین بار خط فرمزهای تعیین‌شده را کنار خواهد گذاشت یا واقعیت چیز دیگری است و اظهارات مقامات پاکستانی را باید یک ژست دیپلماتیک و پروپاگاندای سیاسی مانند ادوار قیل در نظر گرفت؟

اگر بخواهیم واقعیت‌ها را در نظر بگیریم، به نظر من آنچه از زبان مقامات پاکستانی درباره خط لوله گازی مطرح شده، بیش از آنکه به واقعیت نزدیک باشد، همان ژست و پروپاگاندای سیاسی است. البته این را هم باید در نظر گرفت که واقعاً پاکستانی‌ها به مسئله انرژی و گاز ایران نیاز فراوانی دارند. اما مانع اصلی تحریم‌ها و فشارهای آمریکاست که در تمام این سال‌ها و با وجود آنکه ایران به وعده خود عمل کرده و خط لوله گازی را تا پشت مرز پاکستان کشانده است، اما اسلام‌آباد فعلاً توانی برای تقابل با آمریکا و ادامه این خذ لوله‌گازی به داخل خاک خود ندارد. به همین دلیل، اکنون پاکستانی‌ها نیاز شدیدی خود به انرژی را از طریق عربستان سعودی و همچنین قطری‌ها تأمین می‌کنند. بخش کوچکی از این انرژی نیز در داخل خود پاکستان و در منطقه بلوچستان تأمین می‌شود. البته رایزنی‌هایی هم با ترکمنستان در دستور کار است که بتوانند گاز این کشور را هم به پاکستان منتقل کنند که در حد همان وعده‌ها و توافق‌ها مانده و در عمل گازی از ترکمنستان به پاکستان صادر نشده است. رایزنی‌های مشابهی هم با مقامات تاجیکستان در خصوص صادرات برق به پاکستان انجام شده که قرار است در قبال تأمین کالا، این صادرات بقی انجام شود، اما فعلاً در سطح عملی اتفاق خاصی صورت نگرفته است. با همه اینها، هنوز نیاز پاکستان به انرژی به‌طور کامل رفع نشده؛ چون نرخ رشد جمعیت در این کشور زیاد است و هرروزه نیاز آنها به انرژی افزایش پیدا می‌کند تا جایی که در صورت فورم سال بخش صنعتی و کارخانه‌ها برای تأمین برق تعطیل می‌شود، اما باز هم نمی‌تواند کفاف بدهد، به‌طوری‌که در برخی مناطق پاکستان روزانه بیش از ۱۲ ساعت برق قطع می‌شود. این در حالی است که کم‌هزینه‌ترین، مقرون به‌صرفه‌ترین و سریع‌ترین راه برای پاکستانی‌ها برای تأمین انرژی و گاز خود، ایران است. باین‌حال، اسلام‌آباد نمی‌تواند آمریکا را نادیده بگیرد. واقعیت این است که برخلاف رایزنی‌ها و برنامه‌ریزی‌ها با مقامات ترکمنستانی و تاجیکستانی برای صادرات گاز و برق، ایران همه چیز را آماده کرده است. اکنون خط لوله تا پشت مرز پاکستان کشیده شده و تهران این آمادگی را دارد. چیزی که مطرح است، این است که در یک قرارداد تنها منافع دو طرف مطرح نیست، بلکه می‌تواند منافع طرف سوم، آن‌هم کشوری مانند آمریکا، همه چیز را به هم بزند. بنابراین انتقال گاز ایران به پاکستان از طریق خط لوله فعلاً در حد یک آرزو باقی مانده است و اظهارات مقامات پاکستانی هم واقعیت‌ها را تغییر نمی‌دهد.

❌ صرفاً موضوع، مخالفت آمریکا و تحریم‌های این کشور است؟

نه لزوماً. همان‌گونه که گفتم مسئله اینجاست که در یک توافق دوجانبه مانند خط لوله گاز بین ایران و پاکستان، صرفاً منافع تهران و اسلام‌آباد مطرح نیست، بلکه منافع طرف‌های دیگر هم وجود دارد؛ کمااینکه به‌جز آمریکا عربستانی‌ها هم تمایل چندانی ندارند که این خط لوله گازی ایران به پاکستان کشیده شود. در نتیجه این مخالفت‌ها اکنون منبع مالی برای پاکستان وجود ندارد که بتواند این خط لوله گازی را از ایران امتداد بدهد. یعنی بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول یا بانک‌های اروپایی و بانک توسعه آسیایی حاضر به دادن چنین کمک مالی به پاکستان نیستند؛ چون خود این بانک‌ها مورد تحریم قرار خواهند گرفت.

❌ استفاده از توان ایران برای امتداد خط لوله به خاک پاکستان می‌تواند…

بله. اما تبعات آن هم مطرح است. به‌رحال حتی اگر خود پاکستان با هزینه داخلی و هزینه ایران این خط لوله را بکشد، می‌تواند مناسبات واشنگتن و اسلام‌آباد یا مناسبات ریاض با اسلام‌آباد را تحت‌الشعاع قرار دهد که در شرایط کنونی به‌هیچ‌وجه پاکستان‌ها چنین اقدامی را انجام نمی‌دهند؛ چون بخش عمده توان ارتش این کشور به آمریکا وابسته است و اقتصاد و تجارت این کشور وابسته به عربستان است. فراموش نمی‌کنیم که همین چند ماه پیش پاکستان در مرز ورشکستگی کامل قرار گرفت و عربستان بود که توانست مانع از این اتفاق بشود. طبیعی است که پاکستان به بهای کشیدن خط لوله گازی از ایران، مناسبات خود را با عربستان و آمریکا از دست بدهد.

❌ عنوان کردید که این‌دست مواضع مقامات اسلام‌آباد بیشتر یک پروپاگاندای سیاسی است، اما چه نیازی است که وقتی واقعیت‌ها چیز دیگری می‌گویند، مقامات پاکستانی دوباره روی موضوع خط لوله صلح گازی مانور دیپلماتیک بدهند؟

به نظر بخشی از این مسئله ناشی از عدم درک واقعیت‌هاست؛ یعنی مقامات پاکستانی سعی دارند آمال و آرزوهای خود را این‌گونه مطرح کنند. موضوع دیگر این است‌که مقامات پاکستانی سعی دارند در این‌دست موضع‌گیری‌های خود، تهران را هم در کنارشان حفظ کنند، وگرنه اصلاً نیازی به سرمایه‌گذاری ایران یا پاکستان نیست؛ اسلام‌آباد به‌راحتی می‌تواند از چینی‌ها درخواست کند که این خط لوله گازی از ایران به داخل پاکستان کشیده شود و امتداد آن تا منطقه سین‌کیانگ برود. چرا این کار را نمی‌کنند؟ چون رئیس انجام چنین تصمیمی برای اسلام‌آباد به معنای از دست رفتن دو

بررسی اظهار نظر مقامات اسلام‌آباد درباره خط لوله گاز با ایران در گفت‌وگو با محسن روحی صفت

از آرزوی تهران تا آرزوی اسلام‌آباد

آن تأکید دارند. از این‌رو بر آن شدیم تا در فکت‌وگویی با محسن روحی صفت، حد فاصل آنچه را از زبان وزیر دفاع پاکستان در قبال این موضوع (خط لوله گاز با ایران) عنوان شده با واقعیت‌های میدانی بررسی کنیم. در ادامه این کپ‌وگفت، گفته‌های تهران درباره هدف‌گذاری مناسبات اقتصادی با اسلام‌آباد تا سقف ۱۰ میلیارد دلار را هم با سرپرست سابق سرکنسولگری جمهوری اسلامی ایران در مزارشریف، پیشاور، قندهار، رئیس سابق ستاد افغانستان و کارشناس ارشد مسائل شبه‌قاره به بوته نقد و تحلیل برده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.



متحد اقتصادی، نظامی و دفاعی پاکستان است. طبیعتاً اسلام‌آباد حاضر نخواهد بود که برای یک خط لوله گازی این متحدان خود را از دست بدهد.

❌ و چرا چین چنین اقدامی انجام نمی‌دهد؟

چون بکن هم ملاحظات تحریم‌های آمریکا را در نظر می‌گیرد. اینجاست که دوباره تکرار می‌کنم عدم درک واقعیت‌ها از سوی برخی مقامات اسلام‌آباد مانند وزیر دفاعشان سبب شده تا این‌گونه سخن بگویند که…

❌ این مسئله تنها محدود به اسلام‌آباد است؟ آیا طرف تهرانی چنین رفتاری ندارد؟ برای کشور ورشکسته‌ای همچون پاکستان، هدف‌گذاری اقتصاد دوجانبه تا سقف ۱۰ میلیارد دلاری تا چه حد با شرایط موجود انطباق دارد؟

ببینید، اینجا مسئله سیاست همسایگی و اقتضانات ناشی از جبر ژئوپلیتیکی و مرزهای مشترک دو کشور است که موجب می‌شود برخی موضوع‌گیری‌ها در دستور کار باشند که همواره مناسبات دو همسایه را مطلوب و حسنه نگه دارد؛ چون امنیت ملی و تمامیت ارضی و در کل سرنوشت همسایگان روی کشورهای پیرامونی‌اش تأثیر مستقیم دارد. پس در این شکی نیست که باید بهترین روابط توسط جمهوری اسلامی ایران با همسایگان در دستور کار باشد.

❌ اما ترسیم بهترین روابط به معنای این نیست که واقعیت‌ها را هم نادیده بگیریم، چنان‌که وضعیت اقتصادی ایران مشکلات زیادی دارد و اقتصاد پاکستان هم یک اقتصاد ورشکسته است، بنابراین هدف‌گذاری ۱۰ میلیاردی برای سقف مناسبات تجاری دوجانبه چه سختی با مقتضیات اقتصادی دو کشور دارد؟

اتفاق می‌خوانسم همین را بگویم که اگرچه باید کشورها بهترین روابط را با همسایگان خود داشته باشند اما باید تأثیرات محیطی را هم در نظر بگیریم. یعنی محیط منطقه و محیط بین‌المللی از همه مهم‌تر شرایط و پتانسیل دو کشور ایران و پاکستان اصلاً شاید اجازه پیشبرد مناسبات تجاری دوجانبه تا سقف ۱۰ میلیارد دلار را به دو طرف ندهد. اما نکته من چیز دیگری است.

❌ چه چیزی؟

ببینید آمال و آرزوها در ترسیم و تعریف روابط دیپلماتیک، به‌خصوص روابط با همسایگان، نه‌تنها لزوماً چیز بدی نیست بلکه اتفاق مثبت هم هست.

❌ چرا؟

چون آمال و آرزوها درواقع ترسیم بهترین حالت برای بهبود مناسبات سیاسی، امنیتی، اقتصادی، تجاری، فرهنگی با همسایگان است. بنابراین اگر هدف‌گذاری اقتصاد ایران به یک میلیارد دلاری در دستور کار ایران برای پاکستان باشد، روی کاغذ و حتی در موضع‌گیری‌های مقامات تهران هم چیز بدی نیست. درواقع نفس آرزو و هدف‌گذاری در این راستا کاملاً مناسب و قابل دفاع است. پس این موضع‌گیری‌ها و تلاش‌های دو کشور کاملاً مثبت و قابل دفاع است، اما نه انطباقی با واقعیت دارد و نه کافی است. یعنی مشخصاً اسلام‌آباد عزم جدی سیاسی ندارد که بخواهد به‌طور اخص روی مسئله لوله گاز ایران سرمایه‌گذاری کند.

❌ اگر از آمال و آرزوها و ترسیم سقف روابط تجاری ۱۰ میلیارد دلاری بین ایران و پاکستان عبور کنیم، آمار و ارقام متفاوتی در رابطه با مناسبات فعلی دو طرف وجود دارد؛ فاصله این دو چقدر است؟

اگر به آمار‌ها نگاه کنیم به نظر می‌رسد اکنون سقف روابط رسمی تجاری ایران و پاکستان چیزی در حدود دو میلیارد دلار است. یعنی صادرات ایران به پاکستان، یک میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار و از آن طرف هم، ۳۰۰ میلیون دلار صادرات پاکستان به ایران است. البته آقای صفری، معاون دیپلماسی اقتصادی وزارت امور خارجه هم اعلام کردند حدود دوونیم میلیارد دلار هم مناسبات تجاری غیررسمی و یا به نوعی غیرقانونی بین دو کشور در جریان است.

❌ و این مسئله مشخصاً روی موضوع سوخت است؟
بله، درست است. منظور آقای صفری همین قاجاق بنزین و گازوئیل و نفت از ایران به پاکستان است که با قیمت پارانهای از ایران به مرزهای پاکستان انتقال داده می‌شود و چندین برابر قیمت در پاکستان به فروش می‌رسد که اتفاقاً برخلاف گفته آقای صفری، معاون دیپلماسی اقتصادی وزارت امور خارجه این نوع تجارت، نه‌تنها کمکی به رشد مناسبات تجاری و بهبود روابط اقتصادی دو طرف نمی‌کند، بلکه مشخصاً یک ضرر و آفت بسیار بزرگ، هم به ظرفیت‌های اقتصادی ایران است و هم به‌صنعت نفت و گاز و بنزین پاکستان؛ آن‌هم در شرایطی که خود ایران نیاز مبرمی به بنزین دارد. وقتی بنزین در ایران با ۱۰۰ سنت تولید می‌شود و قاجاقچیان این بنزین ایران را در پاکستان حدود یک دلار، دو دلار یا بیشتر به فروش می‌رسانند، اینکه به سود ایران نیست. اتفاقاً به ضرر ایران است. چرا یک اقتصاد سراسر برای کشور که تأمین‌کننده منافع ملی

خبر

با تأکید بر توجه به ابعاد اجتماعی، ملی و بین‌المللی صورت گرفت
انتقاد رئیس قوه قضائیه از صدور برخی احکام

رئیس قوه قضائیه گفت: یک قاضی علاوه بر اینکه مستمراً دانش خود را ارتقا می‌دهد، باید اهل مشورت نیز باشد و در فهم مسئله، تشخیص مصداق و تطبیق موضوع، با صاحب‌نظران مشورت کند. به گزارش مرکز رسانه قوه قضائیه، حجت‌الاسلام‌والمسلمین محسنی‌اژه‌ای دیروز دوشنبه (۱۰ اردیبهشت) در سخنانی در نشست شورای عالی قوه قضائیه، اظهار کرد: امر قضا، امر خطیری است؛ یک قاضی برای آنکه به حق و عدالت قضاوت کند، باید دقت‌نظر بالایی داشته باشد و از حلم و بردباری زیادی برای بررسی تمام ابعاد و جوانب پرونده برخوردار باشد. همچنین یک قاضی باید به‌صورت مرتب دانش و اطلاعات خود را به‌روز کند تا در قبال پرونده‌هایی که دربرگیرنده امور مستحدثه و جدید هستند، به قوه علم و تشخیص نائل شود. تاکنون تاحدودی شعب و مجتمع‌های قضائی ما تخصصی شده‌اند و این مهم، هرچه بیشتر نیز محقق می‌شود، علی‌الاحال قاضی ما باید بپوسته در باب موضوعات

و مقولات کیفری و حقوقی در اموری که پرونده‌ها به او ارجاع می‌شوند، اعم از بانکی، بورسی، دریایی، محیط زیست، بین‌الملل و… مطالعه داشته باشد و دانش خود را به‌روز کند. در این زمینه بخش آموزشی قوه قضائیه نیز باید مستمراً آموزش‌های روزآمد را به قضات ما ارائه دهد. رئیس قوه قضائیه قضات ما ارتقا می‌دهد. رئیس قوه قضائیه مستمراً دانش خود را ارتقا می‌دهد، باید اهل مشورت نیز باشد و در فهم مسئله، تشخیص مصداق و تطبیق موضوع، با صاحب‌نظران مشورت کند. همچنین قاضی ما باید به ملاحظات ناظر بر تناسب جرم و مجازات نیز اهتمام داشته باشد و مجازات بازدارنده و متناسب اعمال کند و توجه داشته باشد که این مجازات تجویزشده، موجب و نیز نفع نشود. محسنی‌اژه‌ای بیان کرد:

❌ تا اینجا مصاحبه روی نگاه انتقادی جلو رفتیم، اما از نگاه حرف‌های که سابقه حضور دیپلماتیک در پاکستان را هم دارید، راه‌حل نبود مناسبات تجاری دوطرف چیست؟
راه‌حل آن در حوزه امنیتی است. یعنی ما در قبال پاکستان مشخصاً باید راهبرد محدود‌کردن یا معدود‌کردن پرونده‌های امنیتی را داشته باشیم. اکنون پاکستان شاید چند پرونده امنیتی در قبال ایران داشته باشد و ایران هم همین‌طور؛ پس باید در تهران یک روندی در دستور کار قرار بگیرد که اعتمادساز باشد که به مرور این پرونده‌ها تقلیل پیدا کند؛ من نمی‌گویم تنش قطعاً بین ایران و پاکستان صفر خواهد شد. اما وقتی ناامنی به شکل پرتنگی کاهش پیدا کند، خود به خود زمینه برای افزایش مناسبات تجاری شکل خواهد گرفت. تازه این شرط لازم است. شرط کافی آن، به‌کارگیری بخش خصوصی اقتصاد ما در قبال پاکستان است. اکنون بیش از ۸۰ تا ۹۰ درصد اقتصاد پاکستان در بخش خصوصی خلاصه می‌شود و دولت اسلام‌آباد تقریباً نقش جدی در حوزه اقتصادی و تجاری ندارد. درحالی‌که وضعیت ایران کاملاً برعکس است و دولت تا ۷۰ درصد اقتصاد را در اختیار دارد. پس اینجا اقتصاد دولتی ایران نمی‌تواند با اقتصاد بخش خصوصی پاکستان تعامل کند. چون بخش خصوصی به موضوعاتی مانند تحریم، FATF، فشارهای آمریکا و سایر موضوعات نگاه می‌کند. اگر واقعاً می‌خواهیم اقتصاد ایران و پاکستان قدری بهبود پیدا کند، باید از ظرفیت ۳۰ درصدی بخش خصوصی اقتصاد ایران به شکل چشمگیری در مناسبات دو طرف استفاده کرد، وگرنه بی‌تعارف از اقتصاد دولتی ایران در پاکستان آبی گرم نمی‌شود.

❌ تا توجه به برخی اقدامات اخیر از سوی پاکستان مانند تروریستی اعلام‌کردن گروه زینبون که البته طبق گفته مقامات داخلی ایران، گروه ممنوعه اعلام شده است، به نظر می‌رسد کمکان زخم ۲۶ کی‌ماه سال گذشته در حمله موشکی ایران به پاکستان برای اسلام‌آباد باز است. شما هم چنین باوری دارید و اگر چنین باوری دارید، آیا با این زخم با می‌توان به تحقق آن دو شرط کافی و لازم برای بهبود روابط تجاری تهران و اسلام‌آباد آمین داشت؟

اگر بخواهیم واقعیت را بگویم به نظر من بله کمکان این زخم باز است؛ درست است که اسلام‌آباد هم در کمترین زمان ممکن حمله‌ای را به ایران انجام داد و روابط دو کشور دوباره به سطح عادی بازگشت و حتی رئیسی هم در اولین سفر خارجی ۱۴۰۳ به پاکستان رفت اما این مسئله در خاطره و حافظه مردم پاکستان و ساختار سیاسی این کشور می‌ماند که ایران، حتی اگر با حق دفاع از تمامیت ارضی و امنیت ملی خود در برابر گروه‌هایی مانند جیش العدل این حمله را انجام داده باشد ولی درنهایت به خاک پاکستان موشک شلیک کرده است و وقتی من می‌گویم برخی پرونده‌ها از طرف پاکستان در قبال ایران باز است، یکی از مهم‌ترین پرونده‌ها همین پرونده است که به نظر من تا سال‌ها هم باز خواهد ماند و تأثیر خود را به شکل مستقیم یا غیرمستقیم خواهد گذاشت. چون این حمله درست یا غلط، دیپلماسی عمومی ایران را تحت تأثیر قرار داد. مردم پاکستان واقعاً ایرانی‌ها را دوست داشتند و دارند و آنها را کبیه آمل خود می‌دانند. نفوذ فرهنگی و زبان فارسی در پاکستان غیرقابل‌انکار است ولی همین مردم پاکستان اکنون معتقدند ایران به ما موشک زد؛ درست‌یا غلط، حتی با هدف دفاع از امنیت خود و در برابر گروه‌هایی مانند جیش‌العدل. اینجاست که به نظر من سفر هفته قبل رئیسی شاید در مقام عمل برای تقویت مناسبات تجاری و دیگر موضوعات کاری از پیش نبرد ولی می‌تواند تا حدی آن چهره دیپلماسی عمومی تخریب‌شده و مخدوش‌شده ایران را در چشم قضائی نمی‌گیریم.